کارنامه حافظ

جاوید، هاشم

گفته‏اند که پس از قرآن مجید هیچ کتابی باندازهء دیوان حافظ در ایران چاپ‏ و نشر نشده.دیوان حافظ در خانهء هر ایرانی هست و مردم با حافظ بیش از شاعران دیگر سروکار دارند.با دیوان او تفأل میزنند و شعر او را بمناسبت بیش از همه میخوانند.با اینهمه حافظ از نظر کار شاعری هنوز شاعری ناشناخته است.صاحبدلان و صاحب‏نظران تاکنون دربارهء حافظ کتابها نوشته‏اند و«هریک حکایتی متصور»کرده‏اند.بر آن بوده‏اند که حافظ چه مشربی‏ داشته؟رهرو کدام طریقت بوده و در سالک کدام فرقه از اهل سلوک درآمده است.انصاف را گروهی زحمت کشیده‏اند و رنج برده‏اند اما ره بمنزل مقصود نبرداند پاس حق همگان‏ را که در این راه کاری کرده‏اند همواره باید داشت.

میتوان گفت که حافظ زیر بار هیچ تعلقی نیست و«ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است»زاهد نیست اما پارساست،صوفی نیست اما باصفاست،شیخ و واعظ و نصیحتگو نیست. شاعری است انسان و انسانی است شاعر.

عطار و سنائی و مولوی صوفی و عارفند.اهل سیروسلوک و طریقت و عرفانند و شعر را بخدمت عرفان گماشته‏اند.حرف و گفت و صوت را برهم زده‏اند و قافیه را نمی‏اندیشند. شعر وسیله کارشان است نه هدفشان.هرجا که اقتضای دقت بوده لفظ را فدای معنی کرده‏اند جز آنجا که سر شاعری داشته‏اند.اما حافظ که از همه این بزرگان بهره گرفته و مایه اندوخته شاعر است.از فصاحت قرآن و دقایق آسمانی آن،از تفاسیر و قصص،از شعر و افسانه پیشینیان،حتی‏ از شاعران گمنام و فرودست سود جسته است تا بگفتهء خودش«حدیثی سحر فریب خوش»و «شعری خونبار»بجهان هدیه کند.

شعر خواجو و شمس مغربی و کمال خجندی و شاه قاسم انوار همه شعر صوفیانه است. در کار اینان شعر چنان در خدمت عرفان و تصوف است که مبدل بمشتی مضامین صوفیانه و عارفانه منظوم شده است و بقول مرحوم دکتر غنی از دور فریاد میزند.از آنهمه کنایه و ایهام لطیف که در شعر حافظ است و هرکدام را با لطایف مذهبی و عرفانی و ادبی و علمی در نهان پیوندی است در شعر کمتر شاعری میتوان یافت.شعر او ترکیبی و مجموعی از اینهمه هست اما هیچیک از اینها نیست.شعر است.شعر انسانی آزاده و دردمند که در روزگاری لبریز از اینهمه آثار و احوال میزیسته و بی‏لاف و گزاف و دعوی از همهء آفات بشعر خویش پناه برده است.

اینهمه را حافظ بمدد زبان خاص خویش در قالب شعر ریخته.از اینرو شناختن‏ شیوه شاعری او کاری است بس باریک و تا آنجا که میدانیم در این زمینه هنوز کاری بسزا نشده است.گاه می‏بینیم بیشتر کلمات یک بیت حافظ و خواجو یکیست حتی شعر در یک بحر و یک قافیه است اما پیش و پس کردن چند کلمه و تغییر جای صفت و آوردن اسامی بسیار ظریف و نکته‏ای پنهان و شیوه تعبیر و برداشت سخن چنان است که یکی را در زمین نشانده و دیگری‏ را بر آسمان.

روز و شب و بهار و خزان و خار و گل و برق و باد و پروانه و شمع و عاشق و معشوق و وصل و هجران و خط و خال و موی روی و باده و جام و ساقی و میگسار و میفروش و می‏پرست‏ در همه اشعار صوفیانه است.سئوال و جواب و ندا و خطاب و مدح و دعا ناله و سرود را همه‏ شاعران ساخته‏اند.زمین و سپهر و ماه و مهر و دریا و کرانه و درو صدف را همه در شعر آورده‏اند اما آنچه شعر حافظ را رنگ و بوئی دیگر داده زبان خاص اوست ازاینرو باید دید فی المثل‏ حافظ معشوق و ساقی و مطرب و توانگر و درویش را چگونه میخواند.در باغ او چه گلهائی‏ میشکفد،باغبان چه می‏کند و صبا چه پیامی دارد؟

می‏بینیم در باغ حافظ نرگس و لاله و گل همان نرگس و لاله و گل نیستند.غمها و شادیها و دردها و داغها و نازها و کرشمه‏ها دارند.سرو سرکش است و نرگس سرگردان و لاله خونین دل و غنچه فروبسته کار.سحاب چراغ صاعقه میافروزد صبا گرد چمن بخور میگرداند بنفشه سربر زانوی غم نهاده،تنور لاله افروخته است،غنچه غرق عرق است و گل‏ در جوش سوسن با صد زبان خاموش.اینهمه گوشه‏ای از قلمرو پهناور شعر حافظ است. مجلس رود و سرود و محفل ذوق و حال و گوشه عزلت و کنج قناعت،میخانه و مسجد و محراب‏ دعا و خانه خمار را بازبانی دیگر پیش ما میآورد و هریک را با بیانی و تعبیری سخت نو اما بسیار خوشآیند بازمیگوید.

راز جادوی سخن او در اینست که«تعبیرات قالبی»گذشتگان را در شعر خویش‏ نمی‏آورد.اینکار مقلدان است!ساخته و پرداخته پیشینیان را همچون«کلیشه»و«حروف چیده» چاپخانه برداشتن و خلا مضمون را پر کردن ارزانی دیگران باد!پیش از او«آتش رخسار شمع»و«چهرهء خندان گل»گفته‏اند اما او میگوید.

آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت‏ چهره خندان شمع آفت پروانه بسوخت

او آمده است تا«فیض جام سعادت فروغ»و«می صبح فروغ»و«چراغ صاعقه سحاب» و«غنچه گلبن وصل»و«نرگس باغ نظر»و«جان خون گرفته چو گل»و«پرده‏ گلریز هفت خانه چشم»و«مسند فروز دولت»و«نقشبند قضا»و«بیت الحرام»خم»و«نازپرورد وصال»و«ناز پرورد تنعم»و«تحریر کارگاه خیال»و«آب و آتش می»و «چراغ افروز چشم»و«نگارین گلشن روی»و«گل خوش نسیم»و«شکنج ورقهای‏ غنچه»«نرگس مست نوازش کن مردم‏دار»و«عطر سای مجلس روحانیان»و«گلستان‏ خیال»و«گلزار جبین»و«گره‏بند قبای غنچه»و«بکر مستور مست»و«دختر گلچهررز»و«دختر شبرنگ تند تلخ گلرنگ هست»و«چشم خوش کشیده»و «گام آرمیده»بگوید و«مفروش عطر عقل»و«خون چکید از شاخ گل»و«حلقه زلفش تماشاخانه باد صباست»و«زلف دل ازو»و«دل وحشی وضع»و«وفانامه»و«طربنامه»و«گنجنامه»بسازد.

دیگر آنکه از نظر کلمات و اصطلاحات و تعبیرات و توصیفات و شیوه ترکیب افعال و ضمائر و اسماء و صفات و تشبیهات و استعارات و کنایات فصلی تازه گشوده است.دو کلمهء«آن‏ شد»یا«شد آنکه»را در این اشعار:

آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی‏ آن شد که چشم بد نگران بودی از کمین‏ آن شد اکنون که ز غوغای عوام اندیشم‏ شد آنکه اهل نظر بر کناره میرفتند

چنان بجا و درست و خوشایند بجای«دیگر آن عهد گذشت»نشسته و این معنی را در لفظی بدین کوتاهی گنجانده که ناگفتنی است.ازاینرو باید در همه این دقایق مطالعه شود تا بمد پرداختن فرهنگ جامعی راز زبان ظریف و دقیق او گشوده شود.بگمان ما این کوششی است و راهی برای شناختن زبان‏ شاعری که بقول خودش«جز او جان سخن کس نشناخت».

سوگندها(سوگند خوردن

\*بخدا

\*بخدائی که توئی بندهء بگزیدهء او

\*بجان خواجه و حق قدیم و عهده درست

\*بخاکپای تو ای سروناز پرور من

\*بخاکپای تو سوگند و نور دیدهء حافظ

\*بجان پیر خرابات و حق صحبت او

\*بجان او(3 بار)

\*بحق قرآن

\*بقرآنی که اندر سینه داری

\*بجانت ای بت شیرین من

\*بحق صحبت دیرین

\*بجان دوست

\*به بی‏نیازی رندان

\*بگیسوی تو

\*به سر سبز تو ای سرو

\*بخاکپای عزیزت

\*بمردمی

\*بولای تو

\*جان من و جان شما

\*بخاکپای صبوحی کنان(قصیده)

\*بحشمت و جاه و جلال شاه(مدیح)

سوگند دادن

\*خدا را 18 بار

\*خدایرا 2«

بهر خدا

بهر خدا 1

خطاب

\*ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما

\*ای که برمه کشی از عنبر سارا چوگان

\*ایکه در زنجیر زلفت جای چندین آشناست

\*ای چنگ فروبرده بخون دل حافظ

\*ای غایب از نظر که شدی همنشین دل

\*ای خرم از فروغ رخت لاله‏زار عمر

\*ای سروناز حسن که خوش میروی بناز

\*ای که گفتی جان بده تا باشدت آرام جان

\*ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش

\*ای دل ریش مرا بالب تو حق نمک

\*ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل

\*ای عاشقان روی تو از ذره بیشتر

\*ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن

\*ای آفتاب آئینه‏دار جمال تو

\*ای خونبهای نافهء چین خاک راه تو

\*ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی

\*ای قصه بهشت ز کویت حکایتی

\*ای که مهجوری عشاق روامیداری

\*ای تازه گل که دامن از این خار میکشی

\*ای شکنج گیسویت مجمع پریشانی

\*ایکه منظور بزرگان حقیقت بینی

\*ای درد توام درمان در بستر ناکامی

\*ای یاد توام مونس در گوشه تنهائی

\*ای که با سلسلهء زلف دراز آمده‏ای

\*ایکه در کشتن ما هیچ مدارا نکنی

\*ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو

\*ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی

\*ای عنصر تو مخلوق از کیمیای عزت

\*ای دولت تو ایمن از وصمت تباهی

\*ای آنکهم ره بمشرب مقصود برده‏ای

\*ایکه در کوی خرابات مقامی داری

\*ایکه در دلق ملمع طلبی ذوق حضور

\*ای آنکه بتقریر و بیان دم‏زنی از عشق

\*ای که با زلف و رخ یارگذاری شب و روز

\*ایکه از کوچه معشوقهء ما میگذری

\*ایکه دائم بخویش مغروری

\*ایا پرلعل کرده جام زرین

\*ای پادشاه کشور حسن

\*ای خسرو شیرین دهنان

\*ای سلطان خوبان

\*ای پادشاه حسن

\*ای پادشه خوبان

\*ای خسرو خوبان

\*ای خاک درت تاج سرم

\*ای شهسوار شیرین کار

\*ای آفتاب صبح امید

\*ای شاهد قدس

\*ای طایر قدس

\*ای طایر خجسته لقا

\*ای طایر میمون همایون آثار

\*ای مرغ بهشتی

\*ای گل خوب نسیم من

\*ای شاخ گل رعنا

\*ای شاخ نوبهار

\*ای گلبن جوان

\*ای گل خندان

\*ای تازه گل

\*ای سرو روان

\*ای گنج مراد

\*ای گوهر یکدانه

\*ای درج محبت

\*ای یار برگزیده

\*ای همنشین دل

\*ای جان جهان

\*ای به جان تو خوش

\*ای دوست

\*ای مهربان

\*ای نازنین

\*ای یار من

\*ای منم

\*ای جان

\*جانا

\*بتا

\*یارا

\*ای دل 31 بار

\*دلا 10 بار

\*ای دل خام طمع

\*ای دل دانا

\*ای دل غمدیده

\*ای مرده دل

\*ای صبا 12 بار

\*صبا!3 بار

\*ای باد 3 بار

\*ای نسیم صبح 2 بار

\*نسیم صبح سعادت!1

\*ای نسیم سحری 2

\*ای نسیم سحر 2

\*ای هدهد صبا 1

\*ای نسیم وصال

\*ای عیسی صبا 1

\*ای نسیم شمال 1

\*ای نسیم منزل لیلی 1

\*ای باد شبگیری 1

\*ای پیک مشتاقان 1

\*ساقی!18 بار

\*ساقیا 13 بار

\*ای ساقی 7 بار

\*مطرب 31

\*ای مطرب 2

باغبان

باغبانا

\*ای بلبل 2

\*ای بلبل عاشق

\*ای مرغ سحر1

\*ای مرغ خوشخوان 1

\*ای بلند نظر شاهباز 1

\*ای کبک خوشخرام 1

\*ای کبوتر

\*ای طوطی 1

\*ای شمع 5

\*ای سرو 1

\*زاهد!4

\*ای زاهد 1

\*ای زاهد خودبین‏1

\*ای زاهد باکره سرشت 1

\*ای خداشناس

\*ای عارف سالک 1

\*ای شیخ 1

\*ای شیخ پاکدامن 1

\*صوفی!2

\*ای صوفی 1

\*واعظ!2

\*ای واعظ 2

\*درویش!2

\*توانگر1

\*ای توانگر 1

\*ای منعم 1

\*کامگارا 1

\*ای دارای خرمن 1

\*ای ملک الحاج

\*دوستان 1

\*ای دوستان 1

\*یاران 1

\*معاشران

\*ای مجلیسان

\*ای ساکنان صدر جلال

\*مسلمانان!

\*ای مسلمانان

\*خواجه!1

\*ای خواجه 3

\*ای میر فرزانه 1

\*ای جهاندیده 1

\*ای خواجه عاقل 1

\*عاقلا

\*ای عاشق گدا 1

\*ای عاشق بیچاره 1

\*ای عاشق شیدائی 1

ای عاشق شوریده 1

\*ای پیر خرابات 1

\*ای مرید خرابات 1

\*ای گدایان خرابات

\*ای گدای خانقه 1

\*ای کوته آستینان 1

\*از جرعه نوش مجلس جم 1

\*ای خمار کش مفلس شراب‏زده 1

\*ای خضر پی خجسته 1

\*ای دلیل دل گمگشته 1

\*ای دلیل راه 1

\*ای رهرو خواب آلوده 1

\*ای پسر 3

\*ای نور چشم من 2

\*ای نور دیده 1

\*ای نور هر دو دیده 1

\*ناصح!1

\*ای نصیحت‏گو 2

\*ای سست نظم

\*ای مدعی 1

\*ای ملک العرش 1

\*ای کارساز بنده‏نواز 1

\*ای کریم عیب پوش 1

\*ای دولتی طالع 1

\*ای بخت 2

\*ای بخت سرکش 1

\*ای خرقه می‏آلود 1

\*ای دختر رز 1

\*ای صیاد 1

\*ای چنگ 1

\*ای دف 2

\*ای اشک 1

\*ای سیل سرشک 1